

از سینی غذای سلف دانشگاه تا مبارزه‌ی طبقاتی



گمشته‌ل
دانشجوی
اردیبهشت

فلاخن

ارزسپینی غذای سلف دانشگاه
تا مبارزهی طبقاتی

کمیته دانشجویی اول اردیبهشت

مناهی

با بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵، دانشجویان دانشگاه‌های «دولتی» با موج دیگری از افزایش هزینه‌های رفاهی تحصیل مواجه شدند. افزایش قیمت‌هایی که به‌خصوص در دو حوزه‌ی تغذیه و خوابگاه دانشجویی، در همان هفته‌های اول بازگشایی دانشگاه‌ها، موجب اعتراض دانشجویان در چندین دانشگاه شد و هم‌چنان تجمعات و تحصن‌های مشابه ادامه دارد. از ابتدای سال جاری تحصیلی، که هنوز سه ماه از آغاز آن نگذشته است در دانشگاه‌ها یا خوابگاه‌های تربیت مدرس، شیراز، محقق اردبیلی، یزدان‌پناه سمنان، خواجه‌نصیر، شهرکرد، تهران، زنجان و دانشکده‌ی فنی مهندسی اسلام‌آباد غرب شاهد تجمعات و تحصن‌هایی در این مورد بوده‌ایم. هرچند نقطه‌ی اشتراک بازنمایی‌شده‌ی همه‌ی این تجمعات «کیفیت نامناسب» یا «افزایش قیمت» غذای دانشجویی بوده است؛ اما آن چیزی که در واقع باید مورد اعتراض قرار می‌گرفت نه کیفیت بد غذا بلکه «پولی‌سازی دانشگاه» و «برون‌سپاری» وظایف دولت در دانشگاه‌ها به بخش خصوصی بود که کیفیت نامناسب غذا یکی از تبعات مادی آن است.

پولی‌سازی دانشگاه و برون‌سپاری وظایف دولت در دانشگاه، هرچند مسئله‌ی جدیدی نیست و نطفه‌های این سیاست به نخستین روزهای پس از بازگشایی دانشگاه‌ها در پی «انقلاب فرهنگی» و سرکوب شوراهای دانشجویی برمی‌گردد، اما اکنون می‌توان به‌جرات بیان کرد که باری دیگر وضعیت دانشگاه‌ها به نقطه‌ای سرنوشت‌ساز رسیده است؛ نقطه‌ای که مستلزم عمل و سازمان‌یابی‌ای بر اساس آگاهی طبقاتی، به‌ویژه در میان آن دسته از دانشجویانی است که به دلیل جایگاه طبقاتی‌شان مواردی مانند پولی‌سازی دانشگاه و کالایی شدن آموزش برای آنها دارای اهمیت حیاتی است.

مطابق آمار رسمی اکنون بیش از نیمی از دانشجویان حاضر در دانشگاه‌های «دولتی»، برخاسته از دو دهک بالایی جامعه، یعنی طبقه‌ی بورژوازی هستند، و هم‌زمان در همین دانشگاه‌ها، فرزندانِ فرودستان و طبقه‌ی کارگر در اقلیت قرار گرفته‌اند. این بدان‌معنی است که فرزندانِ فرودستان و طبقه‌ی کارگر، به‌سببِ پولی‌سازیِ آموزش و تحصیلِ پیش از دانشگاه (یعنی مدرسه و مراتبِ قبولی در کنکور)، از ورود به دانشگاه محروم می‌شوند؛ بنابراین، فارغ از آن‌چه در دانشگاه می‌گذرد، ما در حال حاضر با «دانشگاهی بیش‌طبقاتی‌شده» روبه‌رو هستیم. هم‌زمان آن دسته از دانشجویان برخاسته از فرودستان و طبقه‌ی کارگر جامعه که به دانشگاه راه می‌یابند، این‌بار نیز در برابر خود با پولی‌سازیِ تحصیل مواجه می‌شوند؛ یعنی دانشگاهی را در مقابل خود می‌یابند که به انحاء مختلف، خدمات آموزشی و رفاهی آن پولی‌سازی و برون‌سپاری شده است. چنان‌که غذا و خوابگاه دانشجویی پولی‌ست و از طریقِ کاهش سنوات آموزشی و رفاهی (در مقاطع مختلف تحصیل در دانشگاه‌ها)، دانشجویان مجبور به پرداخت شهریه و پول انتخاب واحد می‌شوند؛ هزینه‌ی رزرو غذای دانشجویی و خوابگاه آنان به‌شیوه‌ی تصاعدی (با هر ترم سنوات اضافی، دو برابر) افزایش می‌یابد و یا به خوابگاه‌های خودگردان با هزینه‌هایی سرسام‌آور فرستاده می‌شوند. و این به‌جز آن است که غالب امکانات رفاهی دانشجویان در دانشگاه‌ها از قبیل سلف‌های دانشجویی و امکانات ورزشی و تفریحی پولی‌سازی شده و در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته است. ما در این متن تلاش می‌کنیم با تمرکز بر مسئله‌ی پولی‌سازیِ بخش تغذیه و سلف‌های موجود در دانشگاه‌ها، و بیرون‌سپاریِ وظایف دولت در آن حوزه، با نگاه به وضعیت موجود در دانشگاه‌ها و تجاربِ پیشینِ دانشگاه‌های مختلف، تحلیلی انضمامی از مسئله‌ی تغذیه در «دانشگاه بیش‌طبقاتی‌شده» ارائه دهیم.

سلف‌های «دولتی»

در اواخر دهه‌ی ۱۳۸۰ تا اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰، تقریباً در تمامی دانشگاه‌های «دولتی» کشور، سلف‌های «دولتی» دانشجویان به پیمان‌کاران بخش خصوصی واگذار شد. یعنی از آن‌هنگام تا کنون، هرچند در این سلف‌های دانشجویی، هزینه‌ی هر نوع از هر وعده‌ی غذایی از سوی دولت در وزارت علوم تعیین می‌گردد و به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌شود، اما دانشگاه جز در بستن قرارداد با پیمان‌کاران، و نظارت حداقلی بر فرآیند کارِ سلف‌ها، عملن اختیاری ندارد. بنابراین، در این سلف‌های «دولتی»، خدمات ضمن آن‌که قبلن پولی‌سازی شده بود، برون‌سپاری نیز شده است و سلف‌های «دولتی» در اختیار دانشگاه‌ها نیستند. با این‌وجود کماکان خدمات این سلف‌ها با نرخِ مصوب و ثابتی است که برای هر سال تحصیلی از سوی صندوق رفاه دانشجویی زیرمجموعه‌ی وزارت علوم

ارائه می‌شود و قیمت‌ها به خواست پیمان‌کاران مختلف تعیین نمی‌گردد. هرچند پیمان‌کاران سلف‌های «دولتی»، از یک‌سو با دست‌بردن در کمیت و کیفیت غذاهایی که به دانشجویان ارائه می‌دهند، همیشه مانع از زیان مالی خود می‌شوند، و از سوی دیگر، سود خود را با افزایش استثمار کارگران زیردست خود نیز افزایش می‌دهند.^۱ در سال‌های اخیر با هر افزایش تورم در کشور، ضمن آن‌که قیمت غذاهای دانشجویی در سلف‌های «دولتی» افزایش یافته است، هم‌زمان شاهد کاهش کیفیت غذاها در این سلف‌ها نیز بوده‌ایم. به‌طوری‌که هرساله هزینه‌ی رزرو غذا بیشتر می‌شود؛ نوشیدنی، دورچین و میوه‌های همراه وعده‌های مختلف حذف شده، یا به مناسبت‌هایی مذهبی محدود گشته‌اند؛ کمیت غذاها به‌طور نامحسوس کاهش پیدا کرده و اقلام استفاده شده در غذاها کیفیت پایین‌تری پیدا می‌کنند.

از اوایل و اواسط دهه‌ی ۱۳۹۰، در راستای پیش‌برد سیاست‌های نئولیبرالی حاکم در کشور و در معرض آشکار به دانشگاه‌های «دولتی»، در کنار خصوصی‌سازی سلف‌های «دولتی»، سیاستی دیگر نیز پی گرفته شد. این سیاست‌ها در حوزه‌ی تغذیه‌ی دانشگاه‌ها علاوه بر مواردی که گفته شد، عبارت از تاسیس سلف‌هایی موازی با سلف‌های «دولتی» در برخی از دانشگاه‌ها بود، که هرچند نام واحدی نداشتند، اما از منطق واحدی پیروی می‌کردند: پولی‌سازی دانشگاه و بیرونی‌سازی خدمات دانشگاه‌های دولتی. امری که در سال تحصیلی جدید (۱۴۰۴-۱۴۰۵)، دولت کمر به تکثیر بیش از پیش آن، و پیاده‌ساختن این سلف‌های موازی خصوصی تحت اسم رمز «رستوران‌های مکمل» بسته است. به همین سبب، در ادامه نمونه‌های اجراشده‌ی پیشین این سلف و رستوران‌های غیردولتی را در چند دانشگاه دولتی بررسی خواهیم کرد، و آن را با گفته‌های اخیر مسئولین وزارت علوم خواهیم سنجید و به سازوکار و چیستی این «سلف‌های مکمل» نیز خواهیم پرداخت.

«سلف‌های مکمل»

همان‌طور که اشاره شد، راه‌اندازی اولین نمونه‌های سلف‌های خصوصی موازی با سلف‌های «دولتی» در دانشگاه‌ها، به اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰ برمی‌گردد. از نخستین نمونه‌های این سلف‌ها، سلف‌های «تاک» در دانشگاه‌های تبریز و ارومیه است، که بعدن با همین نام در دانشگاه‌های سهند تبریز، مراغه، بناب و محقق اردبیلی نیز تاسیس شدند. «تاک» مخفف واژگان تنوع، انتخاب و کیفیت است و بنا بر گفته‌های مسئولین وزارت علوم و دانشگاه‌ها، هدف از تاسیس این سلف‌های موازی و غیردولتی، و واگذاری آن‌ها به بخش خصوصی، افزایش تنوع و کیفیت غذاهای

۱- تاثیر برون‌سپاری این خدمات به بخش خصوصی بر کارگران دانشگاه در حوزه‌ی تغذیه را قبلن در متن دیگری با عنوان «کارگران دانشگاه، قرارداد موقت و دانشگاه نئولیبرال» بررسی کرده‌ایم.

دانشجویی، و بالابردن حق انتخاب دانشجویان در خصوص غذایی که مایل به خوردن آن هستند بوده. همچنین مسئولین وزارت علوم هدف دیگر خود از این کار را کاهش بار اجرایی مسئولان دانشگاه‌ها، کاهش هزینه و درآمدزایی برای دانشگاه‌ها دانسته‌اند. هرچند فارغ از سلف‌های تاک شاهد مواردی از تاسیس رستوران‌های موازی در دانشگاه‌ها یا خوابگاه‌های دانشگاه‌های بزرگ کشور بوده‌ایم، اما سلف تاک اسم رمز پروژه‌ای نظام‌مند و سراسری برای تاسیس رستوران‌های موازی در تمامی دانشگاه‌های کشور بود.

سلف‌های «تاک»، همان در اختیار پیمان‌کاران بخش خصوصی هستند. سازوکار رزرو برای این سلف‌ها در برخی از دانشگاه‌ها با دیگر دانشگاه‌ها مختلف است. در یک شیوه‌ی رزرو، دانشجویان ابتدا باید مبلغی را برای رزرو ژتون غذا پرداخت کنند؛ مبلغی که نه از سوی وزارت علوم، بلکه در قرارداد پیمان‌کار سلف با دانشگاه مربوطه تعیین می‌گردد. برای مثال در سال تحصیلی جدید که هزینه‌ی رزرو وعده‌ی غذایی پرهزینه در سلف‌های «دولتی»، ۲۲ هزار تومان اعلام شده است، هزینه‌ی رزرو ژتون در وعده‌ی نهار در سلف تاک دانشگاه صنعتی (سهند) تبریز ۱۰ هزار تومان است و در ازای آن می‌توان ۷۰ یا ۸۰ هزار تومان در این سلف‌ها خرید کرد (یعنی درواقع ۶۰ یا ۷۰ هزار تومان سوبسید)؛ و مابه‌التفاوت هزینه‌ی خرید باید در هنگام خرید پرداخت شود. در شیوه‌ی دیگر رزرو، دانشجویان در لحظه‌ی رزرو پولی پرداخت نمی‌کنند و ژتون همان معادل سوبسیدی است که در آن دانشگاه معین شده است. مثال این شیوه‌ی رزرو، دانشگاه تبریز است که برای این سلف‌ها در هنگام رزرو پولی پرداخت نمی‌شود و در ترم حاضر (نیم‌سال اول ۴۰۴-۴۰۵)، ژتون نهار این سلف‌ها حامل ۸۰ هزار تومان سوبسید است؛ و دانشجویان همچنان در هنگام خرید غذا و غیره مابه‌التفاوت هزینه‌ی خریدشان را باید پرداخت کنند.

در این دسته از سلف‌های موازی و خصوصی، دانشجویان خوابگاهی می‌توانند در هر سه وعده‌ی صبحانه، نهار و شام با استفاده از سوبسید (ژتون) خرید کنند و دانشجویان غیرخوابگاهی تنها قادر به رزرو برای وعده‌ی نهار هستند و تعداد غذاهای قابل رزرو محدود است (مثلاً ۳۰۰ غذا در وعده‌ی نهار)؛ البته خرید با قیمت آزاد در تمامی وعده‌ها برای همه‌ی افراد و در هر تعدادی آزاد است. همچنین استفاده‌ی از این سلف‌ها با ژتون یا تنها برای دانشجویان غیرسنواتی ممکن است و یا برای این دسته دانشجویان، مبلغ رزرو ژتون به‌طور تصاعدی با افزایش سنوات آنان افزایش می‌یابد. در سلف‌های تاک، برخلاف سلف‌های «دولتی»، وعده‌های غذایی تنوع بیشتری دارند؛ یعنی علاوه بر غذاهای معمول، غذاهای فست‌فودی و انواع دسر، نوشیدنی، سالاد و همچنین اقلام لبنیاتی موجود است. در برخی از این دانشگاه‌ها همچون دانشگاه تبریز و سهند، تنها سلف‌های تاک نیستند که با استفاده از ژتون می‌توان از آن‌ها خرید کرد، و نوعی سوپری-فست‌فودی جز آن سلف‌ها نیز وجود دارند که

دانشجویان می‌توانند با استفاده از سوبسیدی که ژتون آن‌ها حامل آن است، از این مکان‌های متعلق به بخش «خودگردان» خرید کنند. در تمامی این موارد، هم‌زمان با تفاوت در تنوع، کیفیت مواد ارائه‌شده در سلف‌های غیردولتی دارای تفاوتی محسوس است؛ که همین امر موجب روی‌برگردانی بسیاری از دانشجویان از سلف‌های «دولتی» و روی آوردن‌شان به سلف‌های «تاک» شده.

نمونه‌ی دیگر سلف‌های موازی سلف‌های «دولتی» در دانشگاه‌ها که از حیث فرمی اندکی با سلف‌های «تاک» متفاوت است اما با آن محتوایی یکسان دارد، سلف «آفرینشگاه» در دانشگاه فردوسی مشهد است. سلف «آفرینشگاه» نیز همچون سلف «تاک» در اختیار پیمان‌کاران بخش خصوصی است و قیمت غذاها و اقلامی که ارائه می‌دهد نه از سوی وزارت علوم، بلکه در قرارداد پیمان‌کار و دانشگاه تعیین می‌شود. اما در این سلف‌ها نه ژتون، بلکه خود غذا یا اقلام دیگری که ارائه می‌دهد قبلن باید رزرو شود. استفاده از این سلف به‌واسطه‌ی سوبسید نیز تنها برای دانشجویان خوابگاهی ممکن است، هرچند خرید با قیمت آزاد از آن برای همه آزاد است. برای مثال در سال تحصیلی گذشته، سوبسید روزانه (مجموع دو وعده‌ی صبحانه و شام) برای هر دانشجوی خوابگاهی غیرسنواتی، مبلغ ۸۵ هزار تومان بود؛ البته دانشجو در هر صورت می‌بایست ۲۵ درصد از قیمت اقلام رزروی خود را بپردازد (این امر برای دانشجویان سنواتی به‌طور تصاعدی افزایش می‌یابد و دانشجویی با بیش از دو ترم سنوات اضافی، عملن باید کل مبلغ را بپردازد). در سلف «آفرینشگاه»، می‌توان در دو وعده‌ی صبحانه و شام، غذاها و اقلامی که ارائه می‌شود را رزرو کرد. برای مثال در وعده‌ی شام، هم غذای فست‌فودی و هم عادی، هرکدام حداقل در سه مدل متنوع ارائه می‌شود؛ همچنین چهار مدل آمیوه، اقلام لبنیاتی و همین‌طور سبزی، سالاد و میوه نیز را می‌توان از این سلف‌ها با یا بدون رزرو خرید. بنابراین، هر قلم کالا باید رزرو شود، مثلاً یک نصفه نان، دو عدد تخم مرغ آب‌پز. همچنین غذا و موارد پرمقاضی در این سلف‌ها، ظرفیت رزرو محدود دارند. در وعده‌ی صبحانه نیز تنوع غذاهای قابل رزرو بیشتر از سلف‌های «دولتی» است، اما هم‌زمان در این وعده نیز باید تک تک اقلام را رزرو کرد؛ حتی چای و نان نیز جداگانه باید رزرو شوند.

در دو روز آخر هفته که سلف‌های «دولتی» این دانشگاه تعطیل هستند، سلف آفرینشگاه در وعده‌ی نهار دایر است. در این روزها دانشجویان خوابگاهی می‌توانند بدون رزرو قبلی، تا سقف سوبسید ذخیره‌شده‌ی دانشجو در آن هفته خرید کند؛ البته همچنان شرط پرداخت ۲۵ درصد از مجموع مبلغ خرید (برای دانشجویان غیر سنواتی و تا سقف ۱۰۰ درصد برای دانشجویان سنواتی) پابرجاست و کماکان خرید آزاد نیز بدون محدودیت است. نکته‌ی دیگر درمورد این سلف غیردولتی آن است که در همان محیط سلف «دولتی» قرار گرفته و نصف خط توزیع

سلف به آن اختصاص داده شده است؛ همچنین کارگران آن با کارگران سلف دولتی مشترک هستند. در وعده‌هایی که سلف خودگردان موجود است، به‌طور تقریبی نزدیک به ۸۰ درصد از دانشجویان این سلف را رزرو می‌کنند. عمده دلیل این امر، کیفیت پایین و عدم تنوع غذاهای سلف «دولتی» دانشجویی، در مقابل تنوع زیاد و کیفیت نسبتاً مورد رضایت دانشجویان در این سلف غیردولتی، یعنی «آفرینشگاه» است. هرچند باید یادآور شد که این نوع سلف تنها برای دانشجویان خوابگاهی قابل دسترس است؛ چراکه دانشجویان فاقد خوابگاه و یا بومی، که جمعیت تقریبی ۲۰ هزار نفری دارند، امکان رزرو و سرو غذا در دو وعده‌ی صبحانه و شام، یعنی در وعده‌هایی که سلف آفرینشگاه موجود است را ندارند.

نمونه‌ی دیگر سلف‌های غیردولتی، سلف‌هایی تحت نام سلف «مائده» در دانشگاه تبریز و سهند تبریز است. این نوع از سلف‌ها نه تنها همچون نمونه‌ی سلف‌های خصوصی «تاک» و «آفرینشگاه» برخوردار از کیفیت و تنوع بیشتر از سلف‌های «دولتی» نیستند، بلکه کیفیت و تنوع غذاها در این سلف‌ها پایین‌تر از سلف «دولتی» نیز قرار می‌گیرد. غذای این دسته از سلف‌ها، «رایگان» است؛ یعنی بابت رزرو غذا در این سلف چه در مرحله‌ی رزرو و چه در زمان تحویل، پولی پرداخت نمی‌شود. هرچند هیچ‌کدام از غذاهای ارائه‌شده در این سلف موجب سیر شدن دانشجویان نمی‌شود، اما برای مثال ظرفیت رزرو وعده‌ی جوجه‌ی آن در طول هفته که قابل تحمل است، به‌سرعت تکمیل می‌شود. بنابراین باوجود «رایگان» بودن رزرو غذا، غذاهای این سلف دارای کمترین کیفیت قابل قبول نیز نیستند. به روایت یکی از دانشجویان دانشگاه تبریز: «فقط کسانی که واقعاً هیچ پولی ندارند و خیلی فقیرند غذاهای این سلف را رزرو می‌کنند» و «غذاهای این سلف در شأن انسان نیست!» همچنین یکی از دانشجویان دانشگاه سهند نیز بیان می‌کند: «بعد از غذای سالاد الویه‌ای که این سلف برای وعده‌ی شام در بخش دختران به دانشجویان داده بود، تمام افراد مسموم شدند و حتی دانشگاه آنقدر آمبولانس نداشت که آن‌ها را به بیمارستان ببرد (شهر سهند خود بیمارستان ندارد و باید به شهری دیگر در ۲۰ کیلومتری دانشگاه برده می‌شدند)؛ بعد از آن شب دانشگاه را دوهفته تعطیل کردند!»

مشابه سلف «مائده»، در دانشگاه‌های قم، بوعلی‌سینا و دانشگاه میبد نیز سلف‌هایی وجود دارند که در آن‌ها امکان رزرو غذا بدون پرداخت پول وجود دارد. همچنین مسائل تمامی این سلف‌ها غالباً مشترک است. چنان‌که در دانشگاه‌های صنعتی اصفهان، گیلان، کاشان، بوعلی‌سینا، قم، اراک، سمنان، حضرت معصومه، حکیم سبزواری، الزهرا، دانشگاه ایلام و چندی از دانشگاه‌های شهر تهران نیز سلف‌های موازی غیردولتی، همچون سلف‌های «تاک» و «آفرینشگاه»، با اسامی دیگر، اما سازوکاری مشابه وجود دارند.

نتایج تقابل دو سلف

باتوجه به سازوکار این دسته از سلف‌های غیردولتی خصوصی، می‌توان چندین نکته را دریافت کرد: در برخی از موارد پیمان‌کار سلف دولتی و مکمل دانشگاه در واقع یک نفر/شرکت هستند و واضح است که سلف مکمل برای پیمان‌کار سود بیشتری دارد؛ چون به جز سوبسید دولتی، هزینه‌ی بسیار بیشتری نیز از دانشجویان اخذ می‌کند. در چنین وضعیتی با پایین آوردن عمده‌ی کیفیت و کمیت غذا در سلف‌های دولتی مواجه هستیم که دانشجویان بیشتری به سمت سلف مکمل رانده شوند. در واقع پیمان‌کار به شکل عمده‌ی امکانات دولتی را، که به‌نحوی دارایی عمومی محسوب می‌شود، به نفع مالکیت خصوصی کلنگی و تخریب می‌کند.

در ضمن با ظهور سلف‌های مکمل و کاهش متقاضیان سلف‌های «دولتی»، پیمان‌کاران سلف‌های «دولتی»، بسیاری از کارگران خود را تحت اسم رمز «تعدیل نیرو» اخراج کرده‌اند و همین امر در پایین‌تر آمدن بیش از پیش کیفیت غذای سلف دولتی تاثیر مستقیم دارد.

در سلف‌های مکمل، در حوزه‌های ممکن از نیروی کار دانشجویان، تحت عنوان «کار دانشجویی» استفاده می‌شود؛ که در این موارد دانشجویان نه ذیل قانون کار، بلکه تحت قوانین کار دانشجویی قرار دارند، یعنی به میزان ساعت کار به آنان حقوق داده می‌شود و همچنین مشمول بیمه نیز نمی‌شوند؛ بنابراین از مزایای بیمه همچون بیمه‌ی سلامت و بازنشستگی نیز برخوردار نخواهند بود. سود تمامی این حقوق‌های غصب‌شده و پرداخت‌نشده در جیب پیمان‌کاران و سرمایه‌داران همان سلف‌های مکمل می‌رود.

بی‌علاقگی دانشجویان طبقه‌ی بورژوا به بیش‌پولی‌سازی و برون‌سپاری وظایف دانشگاه، به‌خصوص در امر تغذیه در تسهیل این روند موثر است؛ چراکه جایگاه طبقاتی آنان خود همسو با این روند است و هم‌زمان نیز مایل به استفاده از امتیازات طبقاتی و امکان مادی‌ای هستند که موجب می‌شود خدمات با کیفیت‌تری را دریافت و خود را از فرودستان تفکیک کنند.

به موجب سلف‌های مکمل، اقلام ضروری وعده‌های مختلف تغذیه مانند نان و چای در وعده‌ی صبحانه، میوه، نوشیدنی، سالاد و دورچین‌های دیگر غذاها از وعده‌های غذایی حذف خواهند شد و باید جداگانه رزرو شوند.

در سلف‌های مکملی که رزرو سرو غذای «رایگان» ممکن است، آن غذاها از کیفیت و کمیت بسیار پایینی برخوردار هستند و به‌طور واضحی موجب به‌خطر افتادن سلامت دانشجویان، چه از حیث مسمومیت و چه از جنبه‌ی تامین نشدن ضروریات مغذی آن دسته از دانشجویانی می‌شود که از این خدمات استفاده می‌کنند. درحالی که اصولن باید غذای دانشجویان ضمن با کیفیت و کامل بودن، واقعن رایگان باشد؛ اما مسئولین دانشگاه‌ها با

راه‌اندازی این نوع از سلف‌ها، آشکارا در حال تلقین این دروغ به دانشجویان هستند که هرچه رایگان باشد، ضرورتی بی‌کیفیت و خلاف شأن انسانی نیز خواهد بود و کیفیت و تنوع و احترام را نه در سلف‌های «دولتی»، بلکه باید در سلف‌های مکمل خصوصی جست. به این طریق آنان هم در پی اثبات حقانیت واژگون بازار آزاد در دانشگاه هستند و هم دانشجویان فرودست و طبقه‌ی کارگر را به نحو ذهنی و عملی از دانشگاه حذف می‌کنند. در نهایت همزمان با پایین‌تر رفتن کیفیت و کمیت سلف‌های دولتی و استقبال ناگزیر دانشجویان از سلف‌های مکمل، زمینه برای حذف کامل سلف‌های دولتی با بهانه‌هایی نظیر عدم استقبال و به‌صرفه نبودن فراهم می‌شود و در ادامه نیز آرزوی دیرینه‌ی مسئولین وزارت علوم یعنی حذف تدریجی یارانه‌ی تغذیه‌ی دانشجویی به واقعیت می‌پیوندد تا تغذیه به‌صورت کلی از حیطه‌ی خدمات دانشگاه خارج گردد.

آرزوهای وزارتِ نئولیبرال

حسین امامعلی‌پور، مسئول اجرای «الگوی نوین تغذیه‌ی دانشجویی»، در اسفند ماه سال گذشته اعلام کرد که «در وضعیت کنونی، دغدغه‌ی اصلی هیئت‌رئیس‌هی دانشگاه‌ها به‌جای پیگیری مسائل پژوهشی و آموزشی، حل و فصل مسائل تغذیه است و این روند باید اصلاح شود». او آن‌هنگام، و در جلسات متعددی که امسال در خصوص این «الگوی نوین» در دانشگاه‌های مختلف ترتیب داده است، تاکید می‌کند که تصدی‌گری دانشگاه‌ها باید کاهش یابد، هزینه‌های دانشگاه‌ها باید بهتر مدیریت شوند و تنوع و کیفیت غذاهای دانشجویان باید افزایش پیدا کند. این مسئول وزارت علوم، چاره‌ی آن کار را «انتقال بار وظایف تغذیه به بخش خصوصی» می‌داند، تا از این طریق «دانشگاه‌ها بتوانند به وظایف ذاتی خود، یعنی آموزش و پژوهش پرداخته و در این زمینه بهبود یابند». او با استناد به نمونه‌های پیشین سلف‌های موازی خصوصی در دانشگاه‌ها، هدف دیگر طرح ایجاد «رستوران‌های مکمل» را کمک به دانشجویان «کم‌برخوردار» از طریق دریافت «غذای بدون پرداخت هزینه» می‌داند؛ و شاهد بر موفقیت پیشینی طرح «الگوی نوین» را «استقبال و استفاده‌ی بیش از ۶۰ درصد دانشجویان» دانشگاه‌هایی که «الگوی نوین تغذیه» در آن‌ها اجرایی شده است، می‌خواند. «رستوران‌های مکملی» که به گفته‌ی او، موجب افزایش رضایت دانشجویان، با افزایش کیفیت، تنوع و حق انتخاب آن‌ها در امر تغذیه شده و همزمان باعث کاهش ازدحام در سلف‌ها شده است. این مقام وزارت علوم همچنین می‌گوید که باید پیمان‌کاران غذای دولتی و غذای غیردولتی در دانشگاه‌ها از یکدیگر جدا شوند تا رقابت در این حوزه افزایش یابد و خدمات بهتر و باکیفیت‌تری ارائه گردند.

همزمان ما شاهد سخنانِ اخیر وزیر علوم مبنی بر کمونیستی اداره کردنِ دانشگاه‌ها در ایران، و شکایت او از خدمات و هزینه‌ی زیادی که «روند کمونیستی تغذیه» بردوش دانشگاه می‌گذارد بودیم. روندی که او تصمیم تغییر آن را به واسطه‌ی «برون‌سپاری» این خدمات اعلام می‌کند. این موارد را می‌توان با سخنان رییس دانشگاه تهران در اوایل شهریور امسال جمع زد که ادعا می‌کند: «تامین تغذیه و خوابگاه دانشجویان وظیفه‌ی دانشگاه نیست و دانشگاه (که منظورش مسئولین آن است) نباید دغدغه‌ی تامین این موارد را داشته باشد.» با این مقدمه او خواهان استقلال مالی دانشگاه و برداشتن مسئولیت‌های نامرتبط از دوش دانشگاه می‌شود، و هم‌زمان می‌گوید که دانشگاه باید با «تعرفه‌ی واقعی» دانشجوی بپذیرد! صحبتی که به‌طور پیاپی و از طرق مختلف مسئولین این وزارت به مناسبت‌های مختلف مطرح می‌کنند. به‌طوری‌که وزیر علوم دوباره کاهش تعهدات دانشگاه نسبت به دانشجویان را چنین توجیه می‌کند که «کجای دنیا دیده‌اید در دانشگاه‌های درجه‌ی یک و درجه‌ی دوم، تغذیه و خوابگاه رایگان به دانشجویان داده شود؟» و این ادامه‌ی روند کاهش تعهداتی است که با پیشرفت «پولی‌شدنِ دانشگاه» و «برون‌سپاری خدمات» در آن، حذف قریب‌الوقوع خدمات رفاهی «دولتی» را حتی در شکل کاریکاتوری کنونی‌اش نوید می‌دهد.

اکنون پس از افاضات مسئولین دانشگاه‌ها و وزارت علوم، حداقل در نزدیک به ۱۷ دانشگاه (که نام اغلب آنان در این متن آورده شده و دانشگاه‌های دولتی سطح تهران نیز به آنان افزوده شده‌اند)، رستوران یا سلف‌های «مکمل» یا آغاز به‌کار کرده‌اند و یا درحال آماده‌سازی مکان‌های جدید خود برای اجرایی کردن طرح «الگوی نوین تغذیه» هستند. همچنین در دانشگاه‌هایی که قبلاً این دسته از سلف‌ها در آن‌ها تاسیس شده بود نیز، تعداد سلف‌ها در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که در برخی از دانشگاه‌ها ساختمان‌های دانشگاه برای این مکان‌ها تغییر کاربری داده می‌شوند و ساختمان دانشگاه فروخته یا اجاره داده می‌شود، یا بخشی از سلف دولتی به آن‌ها داده می‌شود و یا تریاهای دانشگاه به آنان واگذار می‌گردد.

باتوجه به وضعیت موجود دانشگاه‌های دولتی در ایران، و سیاست عام جمهوری اسلامی نسبت به نهاد دانشگاه، می‌توان نتیجه گرفت که در صورت عدم مداخله‌ی جدی و عملی دانشجویان و مهار نکردن گسترش چنین سیاست‌های نئولیبرالی‌ای در دانشگاه‌های کشور، در آینده دیگر صرفن با دانشگاه طبقاتی مواجه نخواهیم بود و دانشگاه کاملاً به انحصار فرزندان سرمایه‌داران و بخش‌های بالایی طبقه‌ی متوسط درخواهد آمد. چرا که علاوه بر سدهای متعدد موجود برای ورود دانش‌آموزانِ فرزند طبقه‌ی کارگر و فرودست جامعه، امکان حضور این افراد در دانشگاه روز به روز هم به‌طور پیشینی و هم به‌طور پسینی سخت و سخت‌تر خواهد شد، تا هنگامی که عملن

همزمان ورود، حضور و خروج آنان از دانشگاه غیرممکن گردد و دانشگاه از فرزندان طبقه‌ی کارگر و فرودست تمان خالی شود و دانشگاه به تصرف کامل بورژوازی درآید. آن هنگام ما با دانشگاهی روبه‌رو خواهیم بود که بازپس‌گیری آن به مراتب سخت‌تر از اکنون خواهد بود و نیروهای بالقوه‌ی تغییردهنده در دانشگاه، یعنی فرزندان طبقه‌ی کارگر و فرودستان دیگر جزئی از دانشجویان نخواهند بود.

هرچند نباید از یاد برد که از آغاز سال تحصیلی جدید مسئله‌ی تغذیه منجر به شکل‌گیری چندین تجمع و تحصن در دانشگاه‌های مختلف کشور شده و اعتراض دنباله‌دار دانشجویان خواجه‌نصیر شاهد مثال آن است. بازگشت شعارها علیه روند پولی‌سازی دانشگاه در صحن دانشگاه خواجه نصیر که همین سال گذشته اعتراضات دانشجویی‌اش به مطالبه‌گری امنیت از پلیس می‌انجامید و باز کردن درب پارکینگ برای ماشین‌های شخصی‌شان را پیروزی می‌دانست، به راستی مایه‌ی مباهات و خرسندی است. چنین اعتراضاتی نشان می‌دهد که هنوز سنگر دانشگاه توسط دشمن کاملن فتح نشده و همچنان فرزندان طبقه‌ی کارگر و متحدین آنان در این سنگر در حال رزمند. اما تداوم و نتیجه‌بخشی چنین مبارزاتی در سطح دانشگاه‌ها مستلزم برقراری پیوندهای جدی میان دانشجویان هم‌رزم در دانشگاه‌های مختلف است. هم‌سنگران دانشجویان معترض این روزهای دانشگاه خواجه نصیر، نه در میان آن دسته از هم‌کلاسی‌هایی که نگران خط و خش افتادن خودروی شخصی‌شان در محله‌ی خاک سفیدند، بلکه در میان دانشجویان دیگر دانشگاه‌هایی هستند که آنان هم فشار هزینه‌های اضافی دانشگاه را بر گرده‌ی خود احساس می‌کنند و می‌خواهند در برابر آن مقاومت ورزند. مطالبه‌گری در خصوص مسائل خرد هر دانشگاه و در عین حال تلاش برای یافتن پیوندهای سراسری این مشکلات که از خلال سیاست‌گذاری‌های کلان ممکن شده، مسیری است که امکان دست‌یافتن به نتایجی ملموس را فراهم می‌آورد و زمینه‌ی مبارزات بعدی را مهیا می‌سازد.

آبان ۱۴۰۴ | نسخه‌ی ورد



